

## مقدمه

در شرایط نوین اقتصاد جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسیار مهمی بازی می‌کند. دیگر دوران رودررویی با سرمایه‌گذاری خارجی و نفی آن به سر آمده و بیشتر بحثها، دور این مساله می‌چرخد که چه نوع سرمایه‌گذاری برای کشور مفید است و از چه راههایی می‌توان سرمایه‌های خارجی را به کشور جذب کرد. سرمایه‌گذاران خارجی بویژه شرکتهای فراملیتی برای ارتقای سطح رقابت پذیری و کسب سود بیشتر، علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و مزیت‌دار شده‌اند. عملیات فراملیتی‌ها و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی همچنین می‌تواند بر رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی کشورهای میزبان به طرق مختلف و در ابعاد گوناگون تاثیر گذارد که این مسئله از نظر دولتهای میزبان اهمیت زیادی دارد. طیف این متغیرها بسیار گسترده می‌باشد مانند تاثیر بر اشتغال، تجارت، ترازپرداختها، ساختار صنعتی، تحرک اجتماعی و سیاسی و... که هر کدام به نوبه خود دارای پیچیدگیهای خاص خود است. از دهه ۱۹۷۰ به بعد رشد سرمایه‌گذاری خارجی بسیار شدید شده و از رشد تجارت پیشی گرفته به طوری که بیش از دو برابر رشد صادرات کالا و خدمات بوده است. مهمترین ویژگی سرمایه‌گذاری سهامی فرآز بودن آن است. به عبارت دیگر سرمایه‌گذار خارجی در هر لحظه قادر است با فروش سهام یا اوراق بهادار، سرمایه‌اش را به کشور خود و یا کشور ثالث منتقل نماید. به نظر آنکتابد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه‌گذاری که متضمن مناسبات بلند مدت بوده و منعکس‌کننده کنترل و نفع مستمر شخصیت حقیقی یا حقوقی مقیم یک کشور (سرمایه‌گذار) مستقیم خارجی در شرکت مادر) در شرکتی واقع در خارج موطن سرمایه‌گذار باشد. سرمایه‌گذاری خارجی در کتاب جامع پالگریو به صورت تملک دارایی‌ها (از جمله سهام، اوراق بهادار و غیره) توسط سرمایه‌گذار در خارج موطن خود تعریف شده است. در مواقعی که دارایی‌ها شامل تجهیزات فیزیکی تولید شود سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم تلقی می‌شود.

## بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران

سید علیرضا موسوی

مهنوش قاندي

Ali\_Mosavi75@Yahoo.Com

M\_Ghaedi2005@Yahoo.Com

## چکیده

امروزه بسیاری از کشورهای جهان به واسطه عدم تکافوی منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری، تمایل شدیدی به جذب سرمایه‌های خارجی پیدا کرده‌اند. سرمایه‌گذاری خارجی معمولاً در دو قالب، سرمایه‌گذاری سهامدارانه خارجی (FOREIGN PORTFOLIO INVESTMENT=FPI(I) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FOREIGN DIRECT INVESTMENT=FDI) صورت می‌گیرد. خرید اوراق فرضه و سهام شرکت‌ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک‌های خارجی از انواع FPI هستند که در این حالت سرمایه‌گذار خارجی در اداره واحد تولیدی نقش مستقیم نداشته و مسئولیت مالی نیز متوجه وی نیست اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نوعی سرمایه‌گذاری است که به منظور کسب منفعت دائمی و همیشگی در مؤسسه‌ای مستقر در کشوری غیر از کشور سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و نتیجه آن کسب حق رأی مؤثر در مدیریت شرکت است. طبق بررسی‌های انجام شده علت اصلی ورود حجم بالایی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها می‌تواند به شرح زیر باشد:

الف- عوامل سیاست‌گذاری اقتصادی

ب- عوامل ساختار اقتصادی

ج- عوامل تشویقی و حمایتی

د- عوامل جغرافیایی و سیاسی

مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه‌ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی از جمله کاهش نرخ بهره، کاهش نرخ ارز، افزایش رشد اقتصادی، افزایش درآمد مالیاتی دولت، کاهش بدهی دولت، بهبود توزیع درآمد، انتقال تکنولوژی، افزایش اشتغال، توسعه صادرات، کاهش واردات و تاثیر مثبت در تراز پرداختها دارد. باتوجه به امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف، مطلوبیت یک یا چند متغیر به تنهایی برای تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کافی نخواهد بود، بلکه ارزیابی تمام متغیرها به صورت یک مجموعه، می‌تواند منجر به انجام سرمایه‌گذاری خارجی شود. گزارش آنکتابد در سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که رتبه ایران در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بین ۱۴۰ کشور جهان ۱۳۰ است. که عدم اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت ایران در جذب آن باشد. به هر حال جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بدون تغییر نگرش در میان سیاستمداران و کارشناسان و ایجاد بستر مناسب برای ورود آن امکان‌پذیر نیست و قانون جدید نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. به همین دلیل تا زمانی که شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... مناسب فراهم نشود، کشورها و شرکتهای خارجی علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری در ایران از خود نشان نخواهند داد.

## شرایط جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی

هر چه کشوری از امکانات گسترده تری برای کاهش هزینه های تولید برخوردار باشد و سطح تکنولوژی بالاتری داشته باشد جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی به آن کشور بیشتر خواهد بود. در واقع علت اصلی ورود حجم بالایی از این نوع سرمایه به کشورهای توسعه یافته وجود شرایط فوق الذکر در این کشورها می باشد عوامل تاثیر گذار بر این جریان را می توان به شرح زیر برشمرد:

### الف - سیاست گذاری اقتصادی

هر گاه سیاست گذاری های اقتصادی در کشور میزبان ، در راستای ایجاد فضای باز و با ثبات اقتصادی باشد ، میزان ریسک سرمایه گذاری کاهش خواهد یافت و به تبع آن جریان سرمایه را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. **سیاست پولی** : این سیاست ها تعیین کننده عوامل مؤثر بر نرخ تورم در کشور است. در واقع هر چه سطح تورم در کشور میزبان پایین تر باشد میزان کاهش در ارزش دارایی ها و سود خالص سرمایه گذاری کمتر خواهد بود در نتیجه ریسک سرمایه گذاری تقلیل یافته و به تبع آن جریان سرمایه گذاری مستقیم افزایش می یابد .

۲. **سیاست مالی** : نشان دهنده وضعیت کسری بودجه دولت و درآمدهای مالیاتی است . در صورت وجود کسری بودجه و تأمین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی ، شاهد بروز تورم در کشور میزبان خواهیم بود و همان طور که عنوان شد این امر اثر منفی بر جریان سرمایه خارجی دارد . به علاوه وجود مالیات مضاعف بر درآمد شرکت های سرمایه گذار اثر منفی بر این جریان خواهد داشت . طبیعی است که سرمایه گذار نمی تواند در دو کشور مالیات بپردازد . همچنین بالا بودن مالیات بر درآمد و سود فعالیت های تولیدی و خدماتی منجر به کاهش درآمد آنان پس از کسر مالیات شده و با کاهش سطح بازدهی ، سرمایه گذاری خارجی به کشور کاهش خواهد یافت .

۳. **سیاست ارزی** : مجموعه سیاستهای ارزی نشان دهنده وضعیت سیستم ارزی است. در صورتی که نرخ ارز ثبات داشته باشد اطمینان

بیشتری در فضای اقتصادی کشور ایجاد می شود و به تبع آن تصمیم گیری برای سرمایه گذاران خارجی ساده تر می شود .

۴. **سیاست بازرگانی** : میزان آزادی بازرگانی خارجی را نشان می دهد . هر چقدر معافیت های گمرکی بر نهاده های واسطه ای و سرمایه ای مورد نیاز سرمایه گذاران خارجی بیشتر باشد ، جریان FDI به کشور بیشتر خواهد بود .

۵. **سیاست های ناظر بر مقررات** : شامل اطلاعات رسمی و قابل دسترس ، تعیین جهت گیری حکومت و جامعه به سمت سرمایه های خارجی و محدودیت های انتقال سرمایه است . هر چقدر اطلاعات شفاف تر و دسترسی به آن سهل تر باشد اعتماد سرمایه گذاران خارجی به ارزیابی هایشان بیشتر و جریان سرمایه گذاری به کشور تسهیل می شود. همچنین نگرش مردم و قوانین و مقررات حاکم بر جریان سرمایه ، نیز اهمیت بسزایی دارد.

### ب - ساختار اقتصادی

هر چقدر ساختار و زیر ساخت های اقتصادی یک کشور قوی تر باشد سرمایه گذاران خارجی تمایل بیشتری به سرمایه گذاری مستقیم در آن کشور دارند . عمده ترین عوامل ساختاری اقتصاد که به طور مستقیم بر جذب سرمایه مؤثر است عبارتند از:

۱. **ثبات تراز تجاری** : ثبات تراز تجاری به مفهوم پایداری نظام تجارت خارجی بوده و در نتیجه اعتماد سرمایه گذاران خارجی را به سرمایه گذاری جلب می نماید .

۲. **گسترده گی بازار** : هر چقدر بازار کشوری گسترده تر باشد و هنوز اشباع نشده باشد جریان سرمایه به آن کشور تقویت می شود .

۳. **بدهی خارجی** : هر چقدر بار بدهی کشوری کمتر باشد امکان تأمین مالی از طریق جریان ورود سرمایه به آن کشور تقویت می شود .

۴. **ساختار تأمین مالی** : هر چقدر وضعیت نظام بانکی کشور قوی تر باشد و تسهیلات سهل تر و بیشتری به مشتریان خود ارائه دهد، زمینه های لازم را برای سرمایه گذاران خارجی بیشتر فراهم می آورد .

۵. **تأسیسات زیر بنایی** : وجود زیر ساختهای اقتصادی گسترده تر نظیر راهها ، بنادر ، سیستم های ارتباطی و ... عوامل مؤثر در جذب سرمایه هستند.

۶. **نیروی کار ماهر و توسعه منابع انسانی** : با پیچیده تر شدن فرآیند تولید کالاها و خدمات در جهان ، وجود نیروی کار غیر ماهر دیگر مزیت به شمار نمی رود . لذا کشورهایی در جذب سرمایه موفق تر هستند که از یک نیروی کار آموزش دیده برخوردار هستند .

۷. **وجود شبکه اطلاع رسانی گسترده** : در صورت وجود یک شبکه اطلاع رسانی قوی که اطلاعات به روز و دقیق را در خصوص نیروی کار ، زیر ساخت ها ، امتیازات و ... در اختیار سرمایه گذاران قرار دهد ، انگیزه ورود سرمایه به کشور تقویت می شود .

### ج - عوامل تشویقی و حمایتی

برخی از کشورها جهت جلب سرمایه گذاران خارجی اقدام به اعطای امتیازاتی می نمایند . مسلم است که هر چه میزان امتیازها بیشتر باشد سرمایه گذاران با تمایل بیشتری به سرمایه گذاری اقدام می کنند. در این ارتباط می توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- **معافیت مالیاتی** در مورد تولیدات شرکت های سرمایه گذار خارجی

۲- **اعطای پوششهای بیمه ای** سرمایه گذاران

۳- **اعطای معافیتهای گمرکی** در مورد واردات نهاده های مورد نیاز شرکت های سرمایه گذار خارجی

۴- **اعطای یارانه** در امر آموزش نیروی کار محلی

۵- **ایجاد مناطق آزاد** برای سرمایه گذاری

۶- **اعطای تسهیلات زیر بنایی و خدمات عمومی** ارزان تر نظیر آب و برق

۷- **تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آنها.**

### د - عوامل سیاسی

زمانی که بازار آزاد به درستی عمل نکند ، مثل موقعی که مکانیزم بازار نتواند امکانات موجود را به طور کامل به کار گیرد ، یا مزیت های رقابتی جدید را توسعه بخشد و یا نتواند علائم مناسب را به کارگزاران اقتصادی بدهد

تا تصمیم گیری مناسب در سرمایه گذاری نمایند، دخالت دولت الزامی است. البته این دخالت به نحوی است که دولت قادر باشد نسبت به طراحی، به کار گیری و نظارت بر سیاست هایی که ناتوانی را جبران می نماید، اقدام کند.

به طور خاص، سیاست های دولت در مورد سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دو جهت باید با عدم توانایی مکانیزم بازار برخورد کند: اول از نظر عدم توانایی بازار در ارائه اطلاعات مناسب و ایجاد هماهنگی در مسیر سرمایه گذاری، که می تواند موجب جذب ناکافی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و یا کیفیت نامناسب سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب شده باشد. دوم از نظر عدم هم سویی منافع سرمایه گذاران و علائق اقتصادی کشور میزبان. این عوامل باعث می شوند که سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثرات منفی بر توسعه داشته باشد و یا در صورت تحقق، به مدت طولانی دوام نیاورد. البته علانق سرمایه گذاران و منافع ملی کشور میزبان ممکن است هماهنگ نباشند. در این حالت نیاز به سیاست هایی خواهد بود که اختلاف از میان برداشته شود و به همین دلیل لزوم دخالت دولت در جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی قابل توجه می شود. به علاوه برخی مواقع دولت ها احساس می کنند که لازم است سرمایه گذاری مستقیم خارجی را به دلایل غیر اقتصادی کنترل نمایند. مثلاً ممکن است ضرورت ایجاد کند که فعالیت های فرهنگی یا استراتژیک فقط در دست افراد ملی باقی بماند.

### سرمایه گذاری خارجی قبل از انقلاب

تا سال ۱۳۱۰ سرمایه گذاری خارجی چندانی در کشور صورت نمی گرفت و اکثر قراردادهای به صورت اعطاء امتیازات بود. کشورهای روسیه و انگلیس از جمله سرمایه گذاران عمده بودند. امتیاز ایجاد شرکت نفت ایران و انگلیس و تاسیس بانک شاهی از جمله سرمایه گذاریهای آنها بود. از سال ۱۳۱۰ (همزمان با تصویب قانون ثبت کشور) و سال ۱۳۱۱ (تصویب قانون تجارت) نوع دیگری از سرمایه گذاری خارجی به صورت خصوصی در شرکت آغاز شد. بعد از سال ۱۳۳۰ (ملی شدن

صنعت نفت) تا سال ۱۳۳۴ شرکت های خارجی به خاطر ترس از ملی شدن از به ثبت رساندن شرکت های خود امتناع ورزیدند. از این رو، در اواخر ۱۳۳۴ قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی جهت تشویق و ایجاد ضمانت برای سرمایه گذاران خارجی به ثبت رسید. در همین سال ۳۱ شرکت خارجی به ثبت رسیدند. تا سال ۱۳۳۴ سرمایه گذاری خارجی از سه طریق قانونی انجام گرفت و تقسیم آن به مستقیم و غیرمستقیم ممکن نبود. آمار و ارقام بیانگر این موضوع هستند که در سال های اجرای برنامه دوم قبل از انقلاب سرمایه های خارجی قابل توجهی وارد کشور شد که معادل ۲۵ درصد پس اندازهای داخلی بود. سالهای آغاز برنامه عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۲) مصادف با ادامه رکود ناشی از بحران ۱۳۳۹ در بیشتر فعالیت های کشور بود که باعث شد در دو سال اول اجرای این برنامه سرمایه های قابل توجهی وارد کشور نشود. سرمایه های نقدی و غیر نقدی و وام هایی که از طریق مرکز جلب و حمایت از سرمایه های خارجی در سال اول برنامه وارد کشور شد، فقط ۲۵۷ میلیون ریال بود. در حالی که این رقم در سال چهارم برنامه سوم به ۹۵۸ میلیون ریال رسید. آمارها نشان می دهند که در برنامه عمرانی سوم طرح های مهمی از جمله تاسیس کارخانه ذوب آهن، کارخانه تهیه ابزار ماشین، کارخانه تراکتور سازی، تولید آلومینیم و کارخانه پتروشیمی از طریق جلب و مشارکت سرمایه های خارجی اجرا شد. در طول اجرای برنامه پنجم توسعه بیش از ۲۵ هزار و ۴۵۰ میلیون ریال سرمایه های خارجی وارد کشور شده است که ژاپن با سهم ۴۲/۲ درصد بیشترین و پس از آن ایالات متحده با ۱۹/۷ درصد و آلمان با ۱۱/۸ درصد بودند. ارقام منتشر شده نشان می دهند که از سال ۵۷ - ۱۳۳۵ جمعاً ۲۷۶ مورد سرمایه گذاری به منظور انتقال تکنولوژی به کشور انجام شده که حدود ۶۵/۹ درصد در فاصله سالهای ۵۷-۱۳۴۹ بوده و بیش از ۳۰ درصد آن در فاصله سالهای ۵۶-۱۳۵۳؛ یعنی پس از افزایش اول قیمت نفت صورت گرفته است. سرمایه و وام وارد شده به کشور تحت پوشش قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی در این دوره به ۳۶۲۶۸ میلیون

ریال رسید. سرمایه گذاران عمده در این دوره ژاپن، آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا بودند. قبل از دهه ۱۳۵۰ بیش از ۹۰ درصد سرمایه گذاریهای خارجی در بخش نفت انجام گرفت، اما بعد از دهه ۵۰ سایر بخشهای اقتصادی نیز سهم بیشتری در جذب سرمایه گذاری های خارجی یافتند. به طور کلی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدوداً ۳۶۷ شرکت خارجی در ایران فعالیت داشتند که حدود ۱۸ درصد این شرکت ها آمریکایی، ۱۴ درصد آلمانی، ۱۲ درصد انگلیسی بوده اند.

### سرمایه گذاری خارجی بعد از انقلاب

این دوره به دو دوره ۷۲-۱۳۵۷ و بعد از سال ۱۳۷۲ تقسیم میشود. دوره اول با تغییرات روی داده در جریانات قانونی، سیاسی، و اجتماعی کشور، به زبان سرمایه گذاری، وام و اعتبار خارجی تغییر کرد. قانون اساسی نیز موضع نامشخصی در قبال سرمایه گذاری خارجی گرفت. عوامل فوق سبب شد که جریان سرمایه گذاری خارجی که بیش از ۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ بود به ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ و ۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ برسد و به تدریج این رقم کاهش یافته و حتی منفی شود، یعنی خروج خالص سرمایه داشته باشیم. به طوری که طی این دوره بیش از ۱۵ میلیارد ریال خروج ارز، محاسبه شده است.

### توزیع سرمایه گذاری مستقیم خارجی

#### در ایران

در این تحقیق جریان ورودی سرمایه مستقیم در ایران از سال ۱۳۷۲ تا آبان ماه ۱۳۸۴ به تفکیک توزیع، سالی، بخشی، استانی و جغرافیایی به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

#### ۱- توزیع سالانه سرمایه خارجی مستقیم

همانطور که در نمودار مشاهده می شود بین سال های ۷۲ تا آبان ماه ۸۴ جمعاً ۱۹۹ طرح به مبلغ کل ۸,۵۷۹,۸۳۳,۰۰۰ دلار در کشور تصویب شده است.

\* رتبه اول حجم سرمایه گذاری متعلق به سال ۸۳ با ۲۸ طرح و مبلغ کل ۴,۱۵۵,۹۷۰,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۴۸ کل سرمایه گذاری

بخش خدمات با ۱۵ طرح و به مبلغ ۲,۳۱۳,۹۵۶,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۷ کل سرمایه گذاری مستقیم در ایران را شامل می شود. در بخش خدمات بیشترین حجم سرمایه گذاری متعلق به گردشگری با ۳ طرح و مبلغ ۱/۹۲۸/۰۰۰/۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۸۳ سرمایه گذاری در بخش خدمات را شامل می شود.

رتبه سوم حجم سرمایه گذاری مربوط به بخش حمل و نقل و ارتباطات با ۳ طرح و مبلغ ۱,۹۳۳,۹۹۸,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۳ کل سرمایه گذاری مستقیم در ایران را شامل می شود. در بخش حمل و نقل و ارتباطات بیشترین حجم سرمایه گذاری متعلق به پست و مخابرات با ۲ طرح به مبلغ ۱,۸۸۱,۶۵۸,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۹۷ کل سرمایه گذاری در بخش حمل و نقل و ارتباطات را شامل می شود.

### ۳- توزیع استانی

رتبه اول سرمایه گذاری استانی متعلق به استان هرمزگان با ۳ طرح به مبلغ ۲,۰۲۹,۰۰۰,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۴ کل سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده است. رتبه دوم سرمایه گذاری استانی متعلق به کشوری (ملی) با ۱ طرح و مبلغ ۱,۸۶۸,۴۲۸,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۲ از کل سرمایه گذاری را شامل می شود و رتبه سوم متعلق به استان تهران با ۶ طرح به مبلغ ۱,۱۵۹,۴۰۳,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۱۴ از کل سرمایه گذاری استانی را شامل می شود.

کمترین حجم سرمایه گذاری استانی متعلق به استان لرستان با ۱ طرح به مبلغ ۱,۸۵۰,۰۰۰ دلار است.

### ۴- توزیع جغرافیایی

عمده سرمایه گذاری های خارجی در ایران به ترتیب حجم سرمایه گذاری متعلق به اروپا، آسیا و آمریکا است.

رتبه اول حجم سرمایه گذاری متعلق به اروپا با ۱۳ طرح و حجم سرمایه گذاری به مبلغ کل ۵,۲۷۳,۳۰۵,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۶۱ کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران را شامل می شود. در بین کشورهای

می شود. در بخش صنعت رتبه اول متعلق به صنایع شیمیایی، فرآورده های نفتی، لاستیک و پلاستیک با ۴۴ طرح به مبلغ ۱,۴۶۴,۹۹۰,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۵۲ سرمایه گذاری در صنعت را شامل می شود.

رتبه دوم صنعت متعلق به صنایع ماشین آلات و تجهیزات و ابزار و محصولات فلزی و خودروسازی با ۴۴ طرح به مبلغ ۷۸۷,۸۶۲,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۸ سرمایه گذاری در صنعت را شامل می شود. رتبه سوم صنعت متعلق به صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات با ۱۶ طرح به مبلغ ۲۷۵,۳۲۷,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۹ سرمایه گذاری صنعتی را شامل می شود.

کمترین حجم سرمایه گذاری در صنعت متعلق به صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ با ۴ طرح و مبلغ ۹,۰۹۱,۰۰۰ دلار است.

رتبه دوم سرمایه گذاری مربوط به

سال	تعداد طرح	حجم سرمایه گذاری
۱۳۷۲	۲	۲۰,۳۲۰
۱۳۷۳	۳	۱۸۷,۶۵۳
۱۳۷۴	۷	۱۲۲,۷۳۸
۱۳۷۵	۱۳	۶۷,۰۰۴
۱۳۷۶	۱۵	۷۹,۷۳۹
۱۳۷۷	۶	۵,۸۴۰
۱۳۷۸	۱۷	۱,۰۴۴,۲۵۶
۱۳۷۹	۱۰	۳۱,۳۱۶
۱۳۸۰	۷	۶۷,۹۹۱
۱۳۸۱	۲۸	۶۱۲,۹۶۵
۱۳۸۲	۳۶	۷۰۷,۶۹۰
۱۳۸۳	۲۸	۴,۱۵۵,۹۷۰
۱۳۸۴	۲۷	۱,۴۷۶,۳۵۱
جمع کل	۱۹۹	۸,۵۷۹,۸۳۳

آمار سرمایه گذاری های مستقیم خارجی FDI تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی (آبان ماه ۱۳۸۴)

را شامل می شود. رتبه دوم حجم سرمایه گذاری متعلق به سال ۸۴ با ۲۷ طرح و مبلغ کل ۱,۴۷۶,۳۵۱,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۱۷ کل سرمایه گذاری را شامل می شود.

رتبه سوم متعلق به سال ۷۸ با ۱۷ طرح و مبلغ کل ۱,۰۴۴,۲۵۶,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۱۲ کل سرمایه گذاری ها را شامل می شود.

بیشترین تعداد طرح در سال ۸۲ به تعداد کل ۳۶ طرح و مبلغ کل ۷۰۷,۶۹۰,۰۰۰ دلار و کمترین حجم سرمایه گذاری در سال ۷۷ به مبلغ کل ۵,۸۴۰,۰۰۰ دلار که متعلق به ۶ طرح است.

### ۲- توزیع بخشی سرمایه ها

رتبه اول حجم سرمایه گذاری متعلق به بخش صنعت با ۱۵۳ طرح و مبلغ کل ۲,۸۰۴,۸۴۹,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۳۳ از کل سرمایه گذاری های خارجی را شامل

تراز پرداختها شکل نگیرد، مردم با پیش بینی افزایش تورم و نرخ ارز و نرخ بهره و ... در جهت مخالف جریان بهبود شرایط اقتصادی حرکت خواهند کرد و فرار سرمایه نیز تشدید می گردد که اگر این پدیده به صورت دائمی و بلند مدت باشد چندین اثر منفی مهم به جای می گذارد.

۴- افزایش رشد اقتصادی : ورود سرمایه باعث کاهش قیمت سرمایه (عامل کمیاب تولید در کشور در حال توسعه) شده، بنابراین هزینه های تأمین مالی برای سرمایه گذاری کم و امکان کسب سود، افزوده می شود. پس تولید اشتغال زای می شود و با توجه به ویژگی جمعیت و نرخ رشد آن، بیکاری کاهش می یابد. همچنین افزایش نرخ رشد اقتصادی باعث کاهش خروج سرمایه می شود.

۵- افزایش درآمد مالیاتی دولت : ورود سرمایه به میزان ثروت و بالطبع به میزان درآمدهای ناشی از ثروت می افزاید، بنابراین، حجم مالیات های دریافتی توسط دولت افزایش می یابد.

۶- کاهش بدهی دولت : افزایش درآمد دولت به واسطه افزایش مالیات باعث کاهش کسری بودجه دولت می شود باید به این نکته اشاره کرد که چنانچه دولت کسری بودجه خود را از استقراض داخلی یا انتشار پول یا استقراض خارجی تأمین مالی نماید، تورم و به دنبال آن خروج سرمایه را تشدید می کند و از نظر توزیعی، بدهی را به نسل بعدی منتقل می نماید که نقشی در تصمیم گیری و اتخاذ آن نداشته اند و از منافع آن استقراض استفاده نموده اند ولی باید آن را بپردازند که این مورد در رابطه با استقراض خارجی طویل المدت قطعاً وجود دارد.

۷- بهبود توزیع درآمد : ورود سرمایه باعث بهتر شدن توزیع درآمد می شود زیرا تورم داخلی راکاهش و به ارزش واقعی ثروت و درآمد افراد طبقات پایین جامعه و آنان که ثروت خود را خارج نساخته اند، می افزاید.

۸- انتقال تکنولوژی : انتقال تکنولوژی روز، به کشور در اثر سرمایه گذاری خارجی می تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا نماید.

۹- افزایش اشتغال : با ورود سرمایه گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد راه اندازی

### به نظر می رسد در اولویت ترین بخشها برای سرمایه گذاری خارجی در ایران بخشهایی با مزیت نسبی نظیر IT، پتروشیمی، انرژی، آب و کشاورزی هستند.

را دستخوش تغییرات نماید. جریان ورود سرمایه خارجی می تواند اثرات زیر را در بر داشته باشد:

۱- کاهش نرخ بهره : جریان ورود سرمایه باعث افزایش نقدینگی در سیستم شده بنابراین نرخ بهره را کاهش می دهد. کاهش نرخ بهره، تقاضا برای دارایی های داخلی را افزایش می دهد (پول رایج داخلی) و به دلیل رابطه معکوس بین نرخ بهره و سرمایه گذاری خصوصی، حجم سرمایه گذاریها افزایش می یابد و امکان کسب سود افزایش می یابد که خود مجدداً، مشوقی برای ورود سرمایه خارجی می شود.

۲- کاهش نرخ ارز : تحت شرایط رژیم نرخ شناور ارز، جریان ورود سرمایه منجر به افزایش ارزش پول رایج داخلی می شود. کاهش میل افراد یک کشور جهت خرید دارایی های خارجی باعث می شود که آنها جهت تبدیل دارایی های خود به بازارهای خارجی وارد نشوند و تقاضای ارز و نرخ ارز کاهش می یابد و موجب قوت ارزش پول رایج داخلی می شود، پس قدرت خرید پول داخلی زیاد می شود و تورم کاهش می یابد.

۳- تاثیر مثبت در تراز پرداختها : افزایش جریان ورود سرمایه به کشور باعث عدم تعادل در حساب موازنه پرداختهای کشور می شود و آن را به سمت مازاد سوق می دهد در این صورت حجم ذخایر افزایش می یابد بر عکس خروج سرمایه، مسائل و مشکلات تعدیل کوتاه مدت را برای دولتمردان به همراه می آورد که اگر اصلاح فوری در

اروپایی بیشترین حجم سرمایه گذاری به ترتیب متعلق به کشور آلمان با ۴۰ طرح به مبلغ کل ۲,۲۳۷,۹۲۲,۰۰۰ دلار، کشور هلند با ۵ طرح به مبلغ ۱,۹۶۸,۰۱۳,۰۰۰ دلار و کشور فرانسه با ۱۲ طرح به مبلغ ۴۵۱,۳۳۴,۰۰۰ دلار است. بنابراین سهم سرمایه گذاری کشورهای آلمان، هلند و فرانسه در ایران به نسبت سایر کشورهای اروپایی سرمایه گذار در ایران تقریباً عبارتند از: ۰/۳۷، ۰/۰۸ و ۰/۰۸ در بین کشورهای اروپایی کمترین حجم سرمایه گذاری متعلق به کشور اتریش به مبلغ ۲۶۴,۰۰۰ دلار است.

رتبه دوم متعلق به آسیا با ۵۲ طرح و حجم سرمایه گذاری ۱,۸۵۵,۴۱۶,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۲۷ از کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران را شامل می شود. در بین کشورهای آسیایی بیشترین حجم سرمایه گذاری به ترتیب متعلق به کشور سنگاپور با ۳ طرح به مبلغ ۸۳۷,۰۲۸,۰۰۰ دلار، کشور امارات متحده عربی با ۵ طرح و مبلغ ۶۶۸,۴۴۰,۰۰۰ دلار و کشور کره جنوبی با ۳ طرح و مبلغ ۱۸۶,۹۰۶,۰۰۰ دلار است. بنابراین سهم کشورهای سنگاپور، امارات متحده و کره جنوبی در ایران نسبت به سایر کشورهای آسیایی سرمایه گذار تقریباً عبارتند از ۰/۴۵، ۰/۲۵ و ۰/۱۰. در بین کشورهای آسیایی کمترین حجم سرمایه گذاری متعلق به کشور جمهوری آذربایجان با ۲ طرح به مبلغ کل ۹۷۳,۰۰۰ دلار است.

رتبه سوم متعلق به آمریکا با ۷ طرح و حجم سرمایه گذاری ۱,۰۲۸,۹۶۱,۰۰۰ دلار است که تقریباً ۰/۱۲ کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران را شامل می شود. در بین کشورهای آمریکایی بیشترین حجم سرمایه گذاری متعلق به کشور کانادا با ۵ طرح و مبلغ ۱,۰۰۷,۱۸۱,۰۰۰ دلار که تقریباً ۰/۹۸ از کل سرمایه گذاری کشورهای آمریکایی را شامل می شود.

### تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر متغیرهای کلان اقتصادی

سرمایه خارجی به هر علت و شکلی که صورت پذیرد، اثرات قابل ملاحظه ای بر روی متغیرهای کلان اقتصادی بر جای می گذارد و می تواند سیستم های اقتصادی

فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب فراهم نشود، شرکتهای خارجی علاقه چندانی به سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران ندارند و نهایتاً مسئولان رده بالای کشور باید رویکردشان را به سرمایه‌گذاری خارجی تغییر دهند. □

### منابع

- ۱- اسدی، مرضی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران و عوامل موثر بر آن، سازمان امور اقتصادی و دارایی استان تهران واحد مطالعات اقتصادی، بهمن ماه ۱۳۸۳
- ۲- بهکیش، محمد علی، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱
- ۳- خاتمی، همایون، بررسی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- ۴- سید نورانی، محمدرضا، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تقاضای کل اقتصاد، ماهنامه اطلاعات اقتصادی سیاسی، ۱۳۷۹، شماره ۱۵۲-۱۵۱.
- ۵- کلانتری بنگر، محسن، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۳
- ۶- گزارش سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، آبان ۱۳۸۴

1- Barry and Bardley, FDI, and trade: the Irish Host-country Experience the Economic journal., November 1997.

2-Hans Christiansen and Ayse Bertrand, Trends and recent development in FDI, June 2004.

3- Kumar, N., Internationalization of Technology Transfer by US Multinational .. 1998.

4- Magdolna sass, competitiveness and economic policies related to FDI ,September, 2003 .

5-Magnus Blomstrom and Ari Kokko, The Economics of FDI incentives January 2003.

6- Mosima Makola, The attraction of FDI by the African country , September, 2003.

7- Naoko Ogata , The impact of growing FDI in Japan , 2001.

8-Sandra Berkum, FDI in China 7 May 2001 sberkum@gwu.edu .

9- UNCTAD, World Investment Report, 1996, 2002, 2005

10- UNCTAD, World Investment Report , 1999 .

11- UNCTAD, World Investment Report, 2002.

12- UNCTAD, World Investment Report, 2005.

● سید علیرضا موسوی: عضو هیئت علمی دانشگاه فیروزآباد

● مهوش قاندي: دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصاد

سرمایه‌گذاری خارجی بسیار موثر است. کشورها و شرکت‌های چند ملیتی بیشتر تمایل دارند تا در کشورهای سرمایه‌گذاری نمایند که عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) باشند که عدم عضویت ایران در این سازمان می‌تواند یکی از دلایل عمده محدود بودن سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ما باشد. عدم اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت ایران باشد. در این زمینه شواهد نشان می‌دهد که در اقتصادهایی که حاکمیت مطلقه قانون به رسمیت شناخته نمی‌شود، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با وجود اعطای امتیازات و تسهیلات بیشتر همیشه با شکست مواجه بوده است. از این رو تلاش برای افزایش امنیت سرمایه‌گذاری از طریق ثبات در سیاست‌های دولت و عدم تغییر مداوم قوانین می‌تواند از اولین اولویتها، برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی قلمداد شود. تغییرات نرخ ارز از دیگر عواملی است که اثر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران داشته است. در این ارتباط اصلاح سیستم ارزی کشور و تثبیت آن می‌تواند نقش موثری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. علاوه بر متغیرهای یادشده، نرخ تعرفه و شاخص اسمی دستمزد، و انباشت سرمایه داخلی از جمله عوامل دیگری هستند که اثر منفی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران داشته‌اند.

به طور کلی با توجه به امکان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای مختلف، مطلوبیت تنها یک یا چند متغیر از انگیزه‌های اقتصادی مالی و فنی یا عوامل حمایتی، سیاستی و جغرافیایی به منظور اقدام شرکتهای مذکور برای سرمایه‌گذاری در یک پروژه خاص در یک کشور کافی نخواهد بود. بلکه ارزیابی تمام عوامل و به صورت یک مجموعه منجر به اتخاذ تصمیم انجام سرمایه‌گذاری یا عدم انجام سرمایه‌گذاری میشود. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور بدون تغییر نگرش در میان سیاستمداران و کارشناسان و ایجاد بستر مناسب برای ورود سرمایه امکان‌پذیر نیست و قانون جدید نمی‌تواند کار زیادی انجام دهد. به همین دلیل تا زمانی که شرایط

کارخانجات مختلف، جذب نیرو و سطح اشتغال افزایش می‌یابد.

۱۰- توسعه صادرات و کاهش واردات: با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و راه اندازی کارخانجات مختلف حجم تولیدات افزایش یافته و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالای خاص مرتفع می‌شود می‌توان مازاد تولید را نیز به کشورهای دیگر صادر نمود. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات که هم اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود را به وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را به وادی فعالیت‌های جدید بکشانند.

### نتیجه‌گیری

امروزه هیچ کشوری بدون مشارکت فعال در بازرگانی بین‌المللی و اقتصاد جهانی نمی‌تواند به رشد و توسعه مناسبی دست پیدا کند. بنابراین چالشی که در حال حاضر پیش روی کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما قرار دارد این است که چگونه در این فعالیتهای بین‌المللی، شرکت موثر داشته باشیم. نکته قابل اهمیت آنکه جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش حجم و تنوع صادرات و در نتیجه افزایش قابلیت رقابت صادرات، فی‌نفسه هدف نهایی نیست بلکه وسیله‌ای است برای نیل به هدف مهمتر یعنی توسعه کشور. بنابراین سیاست جلب سرمایه باید معطوف به جلب سرمایه‌هایی باشد که مکمل استراتژی توسعه کشور واقع شوند. به نظر می‌رسد که اولویتهای سرمایه‌گذاری در ایران می‌بایست به بخشهایی که مزیت نسبی دارند برگردد. از نظر ورود فناوری و طرحهای جدید به کشور و رشد صنعت، مزیت نسبی اقتصادی داشته باشند. در حال حاضر مناسبترین بخشها برای سرمایه‌گذاری که دارای مزیت نسبی بالفعل هستند عبارتند از: بخش IT (فناوری اطلاعات)، بخش پتروشیمی، بخش انرژی، بخش آب و بخش کشاورزی (مخصوصاً صادرات محصولات) آن و همچنین بخش توریسم. به هر حال موقعیت جغرافیایی کشور ما یک موقعیت منحصر به فرد بوده و برای ایجاد جاذبه و